

حفظ حقوق شهروندی و افزایش امنیت انسانی

زهره عبدي

اشاره: امنیت و میزان آن برای تمام نظام های سیاسی و شهروندان صرف نظر از سطح توسعه اقتصادی، اجتماعی و نوع ایدئولوژی، از مهمترین و با اولویت ترین مسایل به شمار می آید. مقوله امنیت به مثابه يك آرمان و واقعیت به عنوان یکی از حقوق اساسی مردم مطرح است و در نهایت برآیند مجموعه ای از تعامل ها، تعاون و سازگاری بین اجزای مختلف نظام اجتماعی است.

بی تردید هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل يك جامعه و همچنین شکوفایی استعدادها مهمتر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نبوده و توسعه اجتماعی، خلاقیت و فعالیت ارزشمند بدون امنیت امکان پذیر نخواهد بود. به طور اصولی انسان برای رسیدن به اهداف والای انسانی بعد از برآوردن نیازهای فیزیولوژیکی نیاز به وجود امنیت و احساس امنیت دارد و در این میان مهم تر از امنیت، موضوع احساس امنیت است. برخی از کارشناسان احساس امنیت را در يك جامعه، مهمتر از وجود امنیت در آن می دانند. زیرا ممکن است در جامعه ای امنیت از لحاظ انتظامی و پلیس وجود داشته باشد، اما فرد احساس امنیت نکند. به عبارت دیگر، موضوع امنیت از فرد شروع و به خانواده، جامعه و در نهایت نظام بین المللی ختم می شود. تأمین و احساس امنیت فردی در درجه اول به فرد بازمی گردد و فرد ممکن است به دو دلیل احساس ناامنی کند، یکی به دلیل عدم تربیت صحیح در خانواده که احساس و پایه شکل گیری شخصیت وی بوده و دیگری ممکن است به خاطر موقعیت و وضعیت حاکم بر یک جامعه باشد و فرد به خاطر وجود برخی از عوامل مخد امنیت در یک جامعه احساس ناامنی کند. امروزه امنیت انسانی از واژه هایی است که مکرر مورد استفاده نهادهای سازمان ملل، نهادهای کمک رسان به توسعه ملی و سازمان های غیردولتی ملی و بین المللی قرار می گیرد. برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) یکی از پیشگامان این موضوع بوده و معتقد است که مفهوم امنیت از تأکید انحصاری بر امنیت ملی، باید به سمت تأکیدی فزاینده تر بر امنیت مردم تغییر پیدا کند. یعنی از امنیت به وسیله تسلیحات به سمت امنیت از طریق توسعه انسانی و از امنیت قلمرو مرزی به امنیت غذا و کار و محیط زیست تغییر پیدا کند. گذشت آن زمانی که از مفهوم امنیت، درگیری بین کشورها و تهدید مرزها تداعی می شد و مردم برای تأمین امنیت به دنبال سلاح بودند. برای اکثر مردم، امروزه احساس ناامنی بیشتر از زندگی روزمره ناشی می شود تا از وقایع نابهنگام جهانی.

امنیت شغلی، امنیت درآمد، بهداشت و سلامت، امنیت محیط زیست و امنیت در برابر خشونت، جنایت و ... اینها نگرانی هایی در حال ظهور برای امنیت انسان در تمام نقاط جهان است.

مفهوم امنیت

امنیت (Security) در فرهنگ فارسی به معنای آزادی، آرامش، فقدان ترس و عدم هجوم دیگران آمده است. در فرهنگ علوم رفتاری نیز دو معنا از این واژه ارایه شده است، يك حالتی که در آن ارضای احتیاجات و خواسته های شخصی انجام می شود و دوم احساس ارزش شخصی، اطمینان خاطر، اعتماد به نفس و پذیرشی که در نهایت از سوی طبقه های اجتماعی نسبت به فرد اعمال می شود.

«مونتسکیو» نیز درباره صلح و امنیت عقیده دارد، چون امنیت نتیجه صلح و صلح اولین قانون طبیعت است، بنابراین این بزرگ ترین اصول در حکومت، ایجاد امنیت است و مقصود از امنیت تنها حفظ حیات نیست بلکه تأمین آزادی است.

آنچه مهم بوده این است که مفهوم امنیت به تدریج و با توسعه تمدن بشری تحول یافته است؛ به گونه ای که امنیت دیگر معادل تهدیدهای مرزی نیست، بلکه ابعاد تازه ای به خود گرفته است. امنیت به مفهوم امروزی را می توان در توسعه سراغ گرفت نه در اسلحه؛ زیرا شمول آن در نهایت ضمانت های اجرایی خاص خود را طلب می کند که اسلحه و قوای قهریه از

جمله آنها است نه تمام آنها . وقتی در مورد امنیت اجتماعی و اجتماع صحبت می شود خود به خود انسان در نظر می آید ، انسان هایی که اجتماع را شکل داده و این اجتماع دارای قوانین و مقرراتی است که رعایت آن قوانین و مقررات یکی از نیازهای اساسی انسان یعنی امنیت روانی انسانها را تأمین می کند .

سطوح و ابعاد امنیت انسانی

امنیت انسانی در هر کشور به طور هم زمان در پنج سطح تهدیدات فردی ، محلی ، ملی ، منطقه ای و جهانی تقسیم می شود . هر یک از سطوح نه تنها مشکلات و مسایل مربوط به خود را دارد ، بلکه با مشکلات سطوح دیگر نیز مرتبط است . بنابراین این بهبود و افزایش امنیت انسانی در یک سطح بر سطوح دیگر نیز اثر مثبت دارد ، همچنان که تهدید امنیت انسانی در یک سطح ، سایر سطوح را نیز تهدید خواهد کرد . برای مثال تهدید امنیت فردی و کاهش قدرت و اختیار افراد در مشارکت در سطح ملی اثرگذار خواهد بود . همچنین سیاست های ملی محقق نخواهد شد ، مگر آنکه در سطح ملی همکاری و مساعدت لازم صورت گیرد .

همچنین امنیت انسانی از دو جزء مهم رهایی از ترس و رهایی از نیاز تشکیل شده است . این دو رکن ، امنیت انسانی را در ابعاد امنیت اقتصادی ، محیط زیست ، سیاسی ، غذایی ، فردی ، بهداشتی و امنیت ارتباطات گسترش می دهد .

توانمندی شهروندان در مقابل خطرها

در ماده ۹۵ فصل هشتم برنامه چهارم توسعه با موضوع ارتقای امنیت انسانی و عدالت اجتماعی ، دولت مکلف شده است ، به منظور استقرار عدالت و ثبات اجتماعی ، کاهش نابرابری های اجتماعی و اقتصادی ، کاهش فاصله دهک های درآمدی و توزیع عادلانه در آمد در کشور و نیز کاهش فقر و محرومیت و توانمندسازی فقرا ، از طریق تخصیص کارآمد و هدفمند منابع تأمین اجتماعی و یارانه پرداختی ، برنامه های جامع فقرزدایی یا عدالت اجتماعی را تهیه کند .

قدیر نصیری در مقاله جامعه شناسی امنیت ملی (فصلنامه مطالعات راهبردی) آورده است که امنیت انسانی عبارت است از توانمندی شهروندان (بدون توجه به خاستگاه متمایز کننده آنها) برای تأمین سلامت خود در مقابل مخاطرات ناشی از اعمال حاکمیت دولت ها و سوانح طبیعی ، تأمین امنیت جامعه شهروندان در مقابل تهدیدها دو وجه دارد ؛ وجهی از آن به تهدیدهای عینی مانند گرسنگی و اعتیاد مربوط می شود که سلامت ، شخصیت ، موفقیت و تعالی آنها را هدف گرفته است ، اما وجه مهمتر تهدید امنیت انسانی ، سلطه ای است که به صورت تاریخی ، سرزمینی و گفتگمانی مانع از بالندگی و خودابرازی شهروندان می وشد . همچنین تعاریف متعارف از تهدید علیه امنیت انسانی بدون توجه به وجه اخیر در شش مورد خلاصه شده که عبارت اند از : رشد بی رویه جمعیت ، آلودگی محیط زیست ، تروریسم بین المللی ، استفاده از گسترده از مواد مخدر ، تبعیض در توزیع فرصت های اقتصادی و فرهنگی ، تنگناها و بحران های ناشی از مهاجرت .

وی همچنین ابعاد و شاخص هایی را برای موضوع امنیت انسانی در نظر می گیرد که از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد : ابعاد اقتصادی امنیت انسانی که در آن ، موادی نظیر اشتغال یا بیکاری دراز مدت ، سرانه مصرف و تعداد افراد زیرخط فقر ، نوع و میزان یارانه دولتی دخیل است . بعد بهداشتی و تغذیه ای امنیت انسانی که در آن دسترسی افراد جامعه به خدمات بهداشتی آسان ، مطمئن و ارزان ، هزینه بهداشتی شهروندان ، تعداد گروه های آسیب پذیر و میزان آسیب پذیری آنها ، دلایل و میزان مرگ و میر در کشور ، کیفیت ، تعداد و نوع واکسن تزریقی به افراد جامعه از جمله شاخص ها و مسایل کلیدی هستند که در سنجش بعد بهداشتی امنیت انسانی مورد توجه قرار می گیرند . ابعاد زیست محیطی امنیت انسانی نیز یکی دیگر از این موارد است که در آن رعایت حقوق زیست محیطی نسل حاضر و نسل های آتی از سوی صاحبان صنعت و دولت نیز از جمله مؤلفه های کلیدی توسعه پایدار شناخته شده است که می تواند رضایت ، اعتماد و امید

مردم نسبت به سیاست های متداول را تحت الشعاع قرار دهد. شاخص های سنجش ابعاد زیست محیطی امنیت انسانی عبارت اند از: جایگاه مواد خام در رشد اقتصادی و شیوه استفاده از مواد داخلی، اثرهای آلودگی های شیمیایی و خاک و آب کشاورزی و شرب، نسبت به جمعیت شهری به روستایی، تعداد زلزله های به وقوع پیوسته طی ۲۵ سال اخیر و ... در بعد آموزشی امنیت انسانی نیز مؤلفه هایی مانند میزان سواد و توزیع باسوادان و اهل فن در جامعه، کارآمدی نظام آموزشی و تناسب آن با نیازهای ملی - محلی، میزان سرمایه گذاری برای رفاه حال معلمان، شیوه های یادگیری و تعلیمات، هزینه هر خانواده برای آموزش، تعداد مدارس و نسبت دانش آموز به معلم و ... برای سنجش وجه آموزشی امنیت انسانی به کار گرفته می شوند.

امنیت روانی

امنیت روانی، زیر مجموعه مقوله ای وسیع تر یعنی امنیت جامع انسانی، محسوب می شود که در برگیرنده حقوق و امنیت فردی، مالی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. دکتر نعمت بابایی، متخصص بهداشت محیط و استاد دانشگاه، امنیت جامعه انسانی را دارای دو بعد حداقلی (کفاف) که در آن آحاد جامعه قادر به تأمین و تضمین معیشت و بقا و امنیت خود هستند و بعد ارتقایی (رفاه) که در آن مردم قادر هستند از احساس مثبت و آسایش در زندگی مادی و امنیت روانی - اجتماعی برخوردار باشند، می داند و می گوید: وجود یا نبود امنیت روانی در جامعه، معلول عوامل کلان، میانه و خرد در سطح جامعه است. در سطح کلان، امنیت روانی هنگامی حاصل می شود که تمام شهروندان درجاتی از بهبود اجتماعی را تجربه کنند و حقوقی قومی، عقیدتی و فرهنگی آنها تضمین شده باشد و تأمین، حمایت اجتماعی، دسترسی به خدمات آموزشی، رفاهی، مشارکت اجتماعی و حقوق شهروندی کامل برای همه اعضای جامعه در فضای خالی از تبعیض قابل حصول باشد. وی با اشاره به حقوق اجتماعی به عنوان یکی از حقوق شهروندی در جامعه می افزاید: حق طبیعی هر فرد برای بهره مند شدن از حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت، حقوق اجتماعی یا خدمات رفاهی است که شامل دسترسی به تسهیلات بهداشتی و درمانی، تأمین اجتماعی، حقوق ایام بیکاری و تعیین دستمزد است.

حفظ حقوق شهروندان

عدم امنیت پدیده ای خارج از مرزهای ملی یا جوامع نیست، بلکه عوامل ایجاد احساس عدم امنیت را باید در درون جوامع و در ساز و کار نظام های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جست و جو کرد. بنابراین هر عاملی که امنیت اقتصادی، بهداشتی، زیست محیطی، سیاسی، غذایی، فردی و ارتباطی شهروندان را تهدید کند، می تواند زمینه ساز مسایل و مشکلاتی باشد که پس از آن، امنیت ملی را در معرض مخاطره قرار می دهد. از این رو، افزایش امنیت از طریق حفظ حقوق شهروندان و تأمین حداقل نیازهای اساسی آنها، تنها راه حفظ انسجام ملی برای مقابله با تهدیدهای خارجی یا حتی پیشگیری از این تهدیدهاست.